


<p>نام درس: فارسی</p> <p>نام دبیر: سعیدی نیا</p> <p>تاریخ امتحان: ...../...../..... ۱۳</p> <p>ساعت امتحان: .....صبح / عصر</p> <p>مدت امتحان: ۹۰ دقیقه</p>	<p>جمهوری اسلامی ایران</p> <p>اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران</p> <p>اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۳ تهران</p> <p>دبیرستان غیردولتی پسرانه / دخترانه</p> <p style="text-align: center;"></p>	<p>نام و نام خانوادگی:</p> <p>مقطع و رشته: یازدهم ریاضی و تجربی</p> <p>شماره داوطلب:</p> <p>تعداد صفحه سؤال:</p>
---	--	--

س.ن	« سوالات »	ن.س
	<p>عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.</p> <p>۱- امیر مسعود شبگیر بر نشست و به کران رود هیرمند رفت.</p> <p>۲- از فضای آمده، پس از نماز، امیر کشتی ها بخواست و ناوی ده بیاورند.</p> <p>۳- بانک و هزاهز و غریو خاست و هنر آن بود که کشتی های دیگر به او نزدیک بودند.</p> <p>۴- بار نتوانست داد و محبوب گشت از مردمان، مگر از اطنا.</p> <p>۵- تا خویشتن را ضیعتکی حلال خردند و فراخ تر بتوانند زیست.</p> <p>۶- این صلت فخر است پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست.</p> <p>۷- زاغی از آنجا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید</p> <p>۸- هم حرکاتش متناسب به هم هم خطواتش متقارب به هم</p> <p>۹- بر قدم او قدمی می کشید وز قلم او رقمی می کشید</p> <p>۱۰- کرد فرامش ره و رفتار خویش ماند غرامت زده از کار خویش</p>	۱
	<p>معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.</p> <p>۱- با یوزان و حشم و ندیمان و مطربان</p> <p>۲- و خیمه ها و شرع ها زده بودند.</p> <p>۳- برنشست و به زودی به <u>کوشک</u> آمد.</p> <p>۴- <u>خیرخیر</u> جواب می آوردم.</p> <p>۵- <u>پس رقعتی</u> نبشت به امیر</p> <p>۶- ماند <u>غرامت</u> زده از کار خویش.</p>	۲
	<p>الف- در کدام گزینه <u>نادرستی</u> املایی دیده می شود؟ تصحیح کنید.</p> <p>۱- آن گاه آگاه شدند که غرقه خاست شد.</p> <p>۲- سوری و شادی ای به آن بسیاری، تیره شد.</p> <p>۳- چیزی که در آن کراهیتی نبود، می فرستاد فرود سرای، به دست من.</p> <p>ب- با توجه به معنی، املای کدام کلمه <u>نادرست</u> است؟</p> <p>۱- تیزی: پارچه ی نازک    ۲- آعاجی: پرده دار    ۳- قزو: جنگ    ۴- عمید: بزرگ</p>	۳
	<p>الف- در عبارت زیر یک واژه ی وندی و یک واژه ی مرکب بیابید.</p> <p>" و می شنویم که قاضی بست بوالحسن بولانی و پسرش بوبکر سخت تنگ دست اند. یک کیسه به پدر باید داد و یک کیسه به پسر، تا خویشتن را ضیعتکی حلال خردند"</p> <p>ب- با توجه به بیت زیر، نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید.</p> <p>"باز کشید از روش خویش پای در پی او کرد به تقلید جای"</p>	۴
	<p>الف- در هر یک از عبارات و ابیات زیر آرایه ای که مقابل آن آمده را در آن نشان دهید.</p> <p>۱- پس به کران آب فرود آمدند و خیمه ها و شرع ها زده بودند. (مجاز)</p> <p>۲- زاغی از آنجا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید (کنایه)</p> <p>۳- هم حرکاتش متناسب به هم هم خطواتش متقارب به هم (واج آرایه)</p> <p>ب- در هر یک از ابیات زیر جناس و نوع آن را نشان دهید.</p> <p>۱- باز کشید از روش خویش پای در پی او کرد به تقلید جای</p> <p>۲- بر قدم او قدمی می کشید وز قلم او رقمی می کشید</p>	۵

	<p>پ-پدید آورانگان آثار زیر چه کسانی هستند؟          ۱-تاریخ بیهقی          ۲-تحفه الاحرار</p>	
۶	<p>الف-در عبارت " این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط قلم در نهاد، تا نزدیک نماز پیشین، از این مهمات فارغ شده بود "          ۱-عبارت " به نشاط قلم در نهاد " یعنی چه؟          ۲-معادل امروزی " نماز پیشین " چیست؟          ب-منظور از قسمت مشخص شده در متن زیر چیست؟          " قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد و نگویم مرا سخت در بایست نیست "          پ-در بیت زیر " خامی " و " سوخته " هر کدام برای بیان چه مفهومی به کار رفته اند؟          عاقبت از خامی خود سوخته رهروی کبک نیاموخته</p>	
۷	<p>شعر زیر را کامل کنید.</p> <p>زاغی از آنجا که فراغی گزید          ۱- دید .....          هم حرکاتش متناسب به هم          ۲- زاغ .....          رخت خود از باغ به راغی کشید          .....          هم خطواتش متقارب به هم          .....</p>	
	موفق و پیروز باشید	

<p>نام درس: فارسی</p> <p>نام دبیر: سعیدی نیا</p> <p>تاریخ امتحان: ...../...../..... ۱۳</p> <p>ساعت امتحان: .....صبح / عصر</p> <p>مدت امتحان: ۹۰ دقیقه</p>	<p>جمهوری اسلامی ایران</p> <p>اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران</p> <p>اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۳ تهران</p> <p>دبیرستان غیردولتی پسرانه / دخترانه</p> 	<p>پاسخ نامه سوالات</p>
<p>۳</p>	<p>۲</p>	<p><b>راهنمای تصحیح</b></p> <p>۱- امیر مسعود سحرگاه سوار اسب شد و به کنار رود هیرمند رفت.</p> <p>۲- اتفاقاً، بعد از نماز، پادشاه کشتی هایی درخواست کرد و ده تا کشتی آوردند.</p> <p>۳- بانگ و آشوب و فریاد برخاست و بخت یار بود که قایق های دیگر به او نزدیک بودند.</p> <p>۴- اجازه ی دیدار و ملاقات نمی توانست بدهد و از نظر مردم پنهان شد ، به جز از طبیبان.</p> <p>۵- تا برای خود، زمین زراعتی کوچک حلالی بخرند و بتوانند بهتر و راحت تر زندگی کنند.</p> <p>۶- این هدیه مایه ی افتخار من است. پذیرفتم و برگرداندم، زیرا نیازی به آن ندارم.</p> <p>۷- زاغی برای اینکه آسایش و آرامش پیدا کند از باغ به صحرايي کوچ کرد.</p> <p>۸- هم حرکت هایش متناسب و هم قدم هایش نزدیک به هم بود (یعنی قدم های بلند بر نمی داشت و زیبا راه می رفت)</p> <p>۹- هرگام که کبک بر می داشت زاغ نیز پا را همان جا می گذاشت و از رفتار او تقلید می کرد.</p> <p>۱۰- زاغ روش راه رفتن خود را فراموش کرد و به خاطر این کارش (تقلید) زیان دیده گشت.</p>
<p>۲</p>	<p>۱- یوز: یوزپلنگ چشم: خدمتکاران ندیم: همنشین، همدم</p> <p>۲- شراع: خیمه، سایه بان</p> <p>۳- کوشک: قصر</p> <p>۴- خیر خیر: سریع</p> <p>۵- رقعت: نامه ی کوتاه</p> <p>۶- غرامت زده: تاوان زده</p>	<p>۳</p> <p>الف-۱- "غرقه خاست شد" نادرست و شکل صحیح آن "غرقه خواست شد" است.</p> <p>ب- در گزینه ی پ "قزو" نادرست است و شکل صحیح آن "غزو" است.</p>
<p>۴</p>	<p>الف- تنگ دست : مرکب ضیعتک: وندي</p> <p>ب- پای: نهاد او : مضاف الیه</p>	<p>۵</p> <p>الف-</p> <p>۱- آب مجاز از رودخانه</p> <p>۲- رخت کشیدن کنایه از کوچ کردن و سفر کردن</p> <p>۳- واج آرایي : تکرار صامت "ت"</p> <p>ب-</p> <p>۱- پای و جای : جناس ناهمسان (ناقص)</p> <p>۲- قدم و قلم: جناس ناهمسان (ناقص)</p> <p>پ-</p> <p>۱- ابوالفضل بیهقی ۲- جامی</p>
<p>۶</p>	<p>الف-</p> <p>۱- با شادی شروع به نوشتن کرد</p> <p>۲- نماز ظهر</p> <p>ب- ضروری و لازم نیست</p> <p>پ- خامی : بی تجربگی سوخته: زیان دیده</p>	<p>۷</p> <p>۱- دید یکی عرصه به دامان کوه</p> <p>۲- عرضه ده مخزن پنهان کوه</p> <p>۲- زاغ چو دید آن ره و رفتار را و آن روش و جنبش هموار را</p>